



Comparative Commentary researches
Vol.3, no.2, Autumn and Winter 2017, Ser. no.6
(pp. 205-231)
DOI: 10.22091/PTT.2018.1717.1119

پژوهش‌های تفسیر تطبیقی

سال سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۶،
شماره پیاپی ۶ (صفحات ۲۰۵-۲۳۱)

A Comparative Study of a Slave-Girl's Covering in Shia and Sunni Jurisprudence and Exegesis

Shadi Nafisi¹

Marziah Ra'isi²

Zahra Jahanbazi³

(Received: 17/04/2017; Accepted: 13/08/2017)

Abstract

Islam commands all women, free or slave-girl, to observe sexual chastity. Sunni and Shia commentators, however, have provided different interpretations for the verse 59 of the Surah Al-Ahzab (The Allies) which is about the slave-girl's covering. One of these interpretations prohibits slave-girls from covering their bodies and commands free women to cover their bodies in order to be differentiated from slave-girls. Although most Sunni people accept such an interpretation, it faces some criticisms due to its contradiction with Quranic teachings about the prohibition of obliging to commit adultery, generality of the commands mentioned in verses related to hijab and badness of adultery, inconsistency in the texts of occasions of revelations and their contradiction with the philosophy of hijab. Furthermore, the application of such interpretation in the society caused social corruptions during the caliphate of the Second Caliph, undermining the obligation of hijab by some critics in modern times. Moreover, Shia scholars hold that Quranic and narrative evidence indicate the prohibition, permission and even obligation of slave-girl's covering. After all, Quranic, narrative, and intellectual analyses negate the view that slave-girl's covering should be differentiated from that of a free woman, and Shia hadiths are related to the praying of the slave-girl and the conditions of concealment.

Key words: sexual chastity, hijab, slave-girl's covering, praying cloth, beating a slave girl.

¹ Corresponding author, assistant professor of department of sciences of the Holy Quran and hadith, University of Tehran, shadinafisi@ut.ac.ir

² MA student of sciences of the Holy Quran and hadith, University of Tehran, marzieh.raisi90@yahoo.com

³ PhD student of Shialogy (Shia studies), z.jahanbazi72@gmail.com



Comparative Commentary researches
Vol.3, no.2, Autumn and Winter 2017, Ser. no.6
(pp. 207-231)
DOI: 10.22091/PTT.2018.1717.1119

پژوهش‌های تفسیر تطبیقی

سال سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۶،
شماره پیاپی ۶ (صفحات ۲۰۷-۲۳۱)

مطالعه تطبیقی پوشش کنیز در فقه و تفسیر شیعه و سنی

شادی نفیسی^۱

مرضیه رئیسی^۲

زهرا جهانبازی^۳

(تاریخ دریافت: ۹۵/۱۰/۲۶؛ تاریخ پذیرش: ۹۶/۴/۱۸)

چکیده

در اسلام عفاف جنسی برای تمام زنان اعم از آزاد و بنده واجب دانسته شده است؛ اما از آیه ۵۹ سوره احزاب، تفسیرهای مختلفی راجع به پوشش کنیز از سوی مفسران دو مذهب ارائه شده است. یکی از این تفسیرها نهی از پوشش کنیز و امر به پوشش زنان آزاد جهت تمایز از کنیزان است. اگرچه اکثریت اهل سنت قائل به این نظر بوده‌اند، اما به دلیل تعارض آن با آموزه‌های قرآنی در خصوص نهی از اجبار به زنا، عمومیت خطاب در آیات حجاب و عمومیت قبیح زنا، همچنین اضطراب در متن سبب نزول‌ها و تعارض سبب نزول با حکمت‌های حجاب، این فهم با نقد مواجه شده است. همچنین اجرای این حکم در جامعه سبب بروز مفاسد اجتماعی در زمان خلیفه دوم و تضعیف وجوب حجاب در زمان حاضر از سوی برخی منتقدان آن شده است. به علاوه در شیعه نیز مستندات قرآنی و روایی ظاهراً دلالت بر نهی، اباحه و حتی وجوب پوشش کنیز می‌کند که پس از تحلیل‌های قرآنی، روایی و عقلی به عمل آمده، فرضیه تمایز پوشش کنیز و آزاد مردود دانسته می‌شود و روایات شیعی مربوط به حالت نماز کنیز و در شرایط تقیه‌ای به شمار می‌آید.

کلیدواژگان: عفاف جنسی، حجاب، پوشش کنیز، پوشش نماز، ضرب کنیز.

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) - shadinafisi@ut.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران - marzieh.raisi90@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری شیعه شناسی - z.jahanbazi72@gmail.com

۱. مقدمه

برخی از موضوعات تاریخی علی‌رغم تحولات ژرف اجتماعی، گسست با شرایط زمانه و از دست دادن فلسفه‌های عینی و واقعی، باز هم در بازخوانی‌های میراث اسلامی به‌ویژه انگاره‌های تاریخی فقهی به صورت مدام مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند. این امر بسته به الگوهای بازخوانی و تفسیر میراث، در عینیت‌های ادوار مختلف بازتاب‌های گسترده‌ای دارد. در همین زمینه، چالش‌های فراوانی فراروی تفسیر متون میراث قرار می‌گیرد. برخی از این موضوعات به خاطر ارتباط آن‌ها با طبیعت انسان از سویی و پیوست آنها با آیات، اخبار و سنت اسلامی از سوی دیگر، بیش از همه مورد توجه نواندیشان و سنت‌گرایان قرار می‌گیرد.

در بیان و ادبیات موضوع مورد تحقیق این نوشتار باید گفت، عفاف جنسی از این موارد محسوب می‌شود. این امر در حوزه فردی و اجتماعی از موضوعات با اهمیت در فقه اسلامی است. در قرآن کریم نیز از زوایای متعدد در سوره مختلف به‌ویژه احزاب و نور به آن اشاره شده است. در این میان یکی از چالش‌های مطرح در حوزه پوشش، بحث از اختلاف زن آزاد و کنیز در پوشش است که آرای تفسیری فقها و مفسران مذاهب اسلامی درباره آن، گوناگون است.

توجه به پیشینه موضوع، برای فهم صحیح آن راهگشا است. توجه به سابقه تحقیقات حاکی از وابستگی نظریه‌های مختلف به شرایط تاریخی گوناگون و اوضاع سیاسی اجتماعی مرتبط با تعاملات مکاتب و مذاهب است. ریشه اصلی در تفاوت بینش و احکام مرتبط با پوشش کنیز به تفاسیر مختلف از آیه ۵۹ سوره احزاب باز می‌گردد که یکی از آیات کانونی امر حجاب است: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَلْأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلْبَابِهِنَّ ذَالِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» (احزاب/۵۹).

البته اختلاف در روایات اسباب نزول و دیگر روایات در این دو مذهب نیز باعث تنوع و تباین دیدگاه‌های این حوزه شده است. براساس قول مشهور در تفاسیر اهل تسنن، علت حجاب چنین بیان شده است: «شناخته شدن زنان آزاد از کنیزان بی حجاب برای جلوگیری از

ایجاد آزار و مزاحمت برای آزاده‌ها از راه پوشیدن جلباب» (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۲، ص ۳۳): اما در مکتب شیعه، علاوه بر استدلال پیشین، علتی دیگر بیان شده است که عبارت است از: شناخته شدن همه زنان به صلاح و عفاف تا از این رهگذر، مورد تعرض افراد بیمار دل واقع نشوند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۳۴۰).

بررسی تحلیلی قول مشهور مفسران دو مذهب و تحلیل روایات مورد استفاده در این موضوع، ضمن نیم‌نگاهی به احکام فقهی و آثار آن در جامعه، موضوع نوشتار پیش روست. ضرورت و اهمیت این موضوع وقتی روشن می‌گردد که این موضوع را صرفاً تاریخی و بی‌ارتباط با زمانه ننگریم. برای نمونه در عصر معاصر، برخی از منتقدان حجاب با انتخاب فهم مشهور در اهل سنت و بازگرداندن منشأ حجاب به تمایز کنیز و آزاد، با تحلیلی که به تفصیل در متن این مقاله خواهید دید، منکر وجود ضرورت حجاب در جامعه امروزی شده‌اند؛ بنابراین ارزش علمی این بحث بر سرنوشت حکم شرعی حجاب و مناسبات اجتماعی زنان با مردان تأثیر فراوانی دارد. یکی از نتایج و اهمیت‌های آن، اقبال فقه، فقهات و شرعیت به دفاع از حجاب و ستر است.

تحقیق پیش‌رو به روش تحلیلی، انتقادی و استدلالی - فقهی و نیز فقه‌الحدیثی، نقدالحدیثی و تاریخی و با تأکید بر تفسیر و فقه است. بحث با تمرکز بر تفسیر و محوریت استنباط فقهی از آیات قرآنی صورت می‌گیرد. هدف نوشتار بررسی آراء فریقین است و این دو مذهب نسبت به هر کدام از دو رأی پیش‌گفته، موافقان و مخالفانی دارند که به بررسی آنها پرداخته می‌شود.

۲. دیدگاه اهل سنت در زمینه علت تشریح حجاب

اینک ابتدا به تبیین نظریه مشهور در اهل سنت و سپس، بیان ادله و نهایتاً نقد و تحلیل آن ادله اهتمام می‌شود.

۱.۲. تبیین نظریه

براساس دیدگاه اهل سنت، علت تشریح حکم حجاب، تمایز نهادن میان زنان آزاد و کنیزان بوده است؛ زیرا کنیزان در صدر اسلام گاه با اختیار و گاه از روی اجبار به زنا اقدام می‌کردند و از کانون‌های فساد جامعه محسوب می‌شدند؛ بر این اساس، روابط جنسی با ایشان از سهولت پیش‌تر و قبیح کم‌تری برخوردار بود و حتی اگر با اذن ارباب انجام می‌شد، هیچ منعی نداشت. افرادی که قائل به عدم پوشش کنیز هستند، عبارت «أَنْ يُعْرِفْنَ» را شناخته شدن زنان آزاد از کنیزان تفسیر کرده‌اند؛ یعنی خداوند زنان مؤمن را به پوشش امر می‌کند تا از کنیزان که بی حجاب و کانون ایذاء بوده‌اند، بازشناخته شوند و مورد آزار واقع نشوند؛ بنابراین، مخاطب حکم حجاب در این آیه عموم زنان نبود و شامل کنیزان نمی‌شد.

۲.۲. ادله نظریه

اکثریت عالمان اهل سنت این نظریه را برگزیده‌اند. آنان در استدلال بر رأی خود، به ادله‌ای از قرآن و روایات استناد کرده‌اند که اینک به اختصار مرور می‌شود.

الف. دلیل قرآنی: مستند قرآنی هر دو مذهب، سبب نزول‌های مختلف از آیه ۵۹ سوره احزاب است. سبب نزول مشهور و نزدیک به تواتر در اهل سنت از این قرار نقل شده است: «زنان آزاد و کنیز که در نوع پوشش با هم تفاوتی نداشتند، شب هنگام برای قضای حاجت به گودال‌ها و بین درختان خرما می‌رفتند. فاسقان مدینه به آزار کنیزکان می‌پرداختند و چه بسا زنان آزاد را نیز اذیت می‌کردند. هنگامی که به آنان گفته می‌شد: [چرا چنین برخوردی کردید؟] می‌گفتند: گمان کردیم، کنیز است؛ به همین سبب به زنان آزاد، دستور داده شد، پوشش و شکل لباس خود را تغییر دهند تا از کنیزان بازشناخته شوند و با حشمت و ابهت جلوه کنند، تا کسی بر آنان طمع نرزد» (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۲، ص ۳۳).

طبری و به دنبال او محدثان بسیار دیگر، روایتی را نیز از علی (ع) آورده‌اند که مخاطب آیه زنان مؤمن بودند؛ از این قرار: «خداوند زنان مؤمن را امر کرد تا هنگام خروج از منازل

چهره‌هایشان را با جلباب از بالای سرشان پوشانند و تنها چشمانشان آشکار باشد» (طبری، م ۳۱۰ق، ۱۴۱۲ق، ج ۲۲، ص ۳۴) البته او این روایت را به قصد بیان معنای جلباب می‌آورد و توجهی به عمومیت خطاب آن برای تمامی زنان مؤمن نمی‌کند.

ب. حجیت عمل عمر به منزله دلیل روایی: عدم اعتقاد به حجاب کنیز در باور خلیفه دوم، الزام او به بی‌حجابی و کتک زدن زنان بالاخص کنیزان، به وفور در سیره او گزارش شده است. سرخسی نقل می‌کند: کنیزان عمر در حالی از ما پذیرایی می‌کردند که سرشان مکشوف و سینه‌هایشان لرزان بود (سرخسی، ۱۳۲۴، ج ۹، ص ۱۲ و ج ۱۰، ص ۱۵۱؛ بیهقی، ۱۴۲۴ق، ج ۱۰، ص ۱۵۱). این مطلب در دیگر منابع اهل تسنن نیز گزارش شده است (آلبانی، ۱۴۰۵ق، ص ۲۰۴). از انس بن مالک نیز روایت مشهوری در باب خشونت و ضرب و شتم کنیزان توسط خلیفه نقل شده است (سیوطی، ۱۳۱۴، ج ۵، ص ۲۲۱). علاوه بر این موارد، گزارش‌های مشابه فراوان دیگری در همین زمینه نقل شده است (قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۷، ص ۱۸۳). فقیه و مفسر معروف حنفی ابوبکر حصّاص هم حکم نظر به کنیز را همانند حکم نظر به محرم برای تمام مردم جایز دانسته است و مستند برداشت خود را سیره عمر اعلان می‌کند (حصّاص، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۴۱۰).

۳.۲. نقد و تحلیل

نفی پوشش کنیز در جامعه براساس روایت سبب نزول پیش گفته، با تحلیل‌های سندی و محتوایی زیر قابل نقد به نظر می‌رسد.

الف. تحلیل سندی: طبری، روایت سبب نزول نخست را با الفاظ مختلف، تحت ۳ سلسله (محمد بن سعد از پدر و اجدادش تا ابن عباس) و (محمد بن عمرو، ابوعاصم، عیسی، و حرث، حسن، ورقاء، همگی از ابن ابی نجیح از مجاهد) و (ابن حمید از حکام از عنبسة، از فردی نامشخص از ابوصالح) گزارش می‌کند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۲، ص ۳۴).

طریق روایت اول که به ابن عباس می‌رسد، جزء طرق نه گانه معتبر از او نیست (برای دیدن طرق ابن عباس نک: معرفت، ۱۳۷۹ش، صص ۲۵۰-۲۶۷). روایت دوم مقطوع و مختوم

به «مجاهد» تابعی است و لذا نمی‌تواند روایت‌گر سبب نزول باشد. در روایت سوم، نیز علاوه بر ارسال درون سلسله از طریق عبارت (عمن حدثه)، انتهای سند نیز مقطوع است.

ب. تحلیل محتوا: در تحلیل محتوای روایت، از سه روش عرض بر قرآن، قیاس با دیگر روایات سبب نزول و نهایتاً تحلیل عقلی استفاده می‌شود.

۲.۳.۱. عرض بر قرآن

عرض محتوای روایت مورد تحلیل، بر قرآن از سه منظر در زیر انجام شده است:

یک. منع اجبار به زنا در سوره نور: اگر براساس این روایت سبب نزول پذیرفته شود که عبارت «ان یعرفن»، فلسفه حجاب، به معنای شناخته شده زن آزاد از کنیز است تا آزارهای جنسی متوجه زنان آزاد نباشد و به سمت کنیزان بی حجاب سوق داده شود، آنگاه باید پذیرفت که در نگاه قرآن، آزار کنیز بلامانع بوده است؛ حال آن که چنین نیست. راهکار حقیقی اسلام این بود که با اعلام قانون منع اجبار به فحشا، فاصله میان آزاد و عبد از حیث عفاف جنسی برداشته شود؛ نه این که با قوانینی در حد عفاف آنان تفاوت ایجاد کند و آنان را سهل الوصول سازد. آیه ۳۳ نور دال بر همین امر است: «کنیزان خود را که می‌خواهند پاکدامن باشند، برای به دست آوردن متاع ناچیز و زودگذر زندگی دنیا به زنا وادار مکنید». ضمن این که همه کنیزان، اهل فحشا نبودند. پیداست که مطابق مفاد اصل عدالت اسلامی، تمام آنان به سبب ارتکاب خطای عده‌ای از حَق حجاب محروم نخواهند شد. به علاوه، مباح بودن بی‌حجابی برای همه کنیزان می‌توانست راه را برای دسته‌ای که خواهان فحشا و اعمال منافی عفت بودند، بازتر کند و حریم جامعه را با خطر بیش‌تری مواجه کند. بدیهی است که ساحت قرآن از چنین چیزی دور است.

دو. عمومیت خطاب در آیات حجاب: یکی از نکات قابل برداشت از این سبب‌نزول، این است که همه زنان مؤمن، مخاطب حکم آن نبوده و کنیزان مؤمن از آن استثناء شده‌اند؛ حال آن که آیات حجاب خطاب به عموم زنان مؤمن است، نه فقط زنان آزاد؛ زیرا اگرچه شروع

دعوت به حجاب از همسران پیامبر (احزاب/۳۲-۳۳) به دلیل الگو بودن ایشان، امری منطقی است، اما برای دفع توهم حصر حجاب به آنان، در آیات بعد، احکام پوشش، به همه زنان مؤمن، این چنین تعمیم یافت: «ای پیامبر! به همسران و دختران و همسران کسانی که مؤمن هستند، بگو: چادرهایشان را بر خود فرو پوشند. این به این که شناخته شوند، نزدیکتر است، و در نتیجه مورد آزار قرار نخواهند گرفت و خدا همواره بسیار آمرزنده و مهربان است» (احزاب/۵۹). شأن نزول آن، جلوگیری از آزارسانی به همه زنان هنگام تردد شبانه برای نماز یا دفع حاجت بوده است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۲۰۴).

در این بیان، سخنی از آزاد یا کنیز بودن زنان مطرح نشده است و اشکالات پیش گفته را نیز ندارد. خداوند برای جلوگیری از این آزار که به بهانه کنیز بودن زنان رخ می‌داد، مرحله دیگر وجوب حجاب را مطرح می‌کند که علاوه بر همسران پیامبر شامل دختران و همسران مؤمنان نیز می‌گردد؛ نه این که با تفاوت نهادن میان پوشش کنیز و آزاد، مزاحمت‌ها را متوجه کنیز کند. ضمن این که روشن است، برای مزاحمان تفاوتی در کنیز یا آزاد بودن وجود نداشت و آنان به دنبال هوسرانی خود بودند. سوره نور که پس از احزاب نازل شده است (احمدی طبسی، ۱۳۸۸ ش، ص ۱۳۵) مشتمل بر دستوراتی همگانی در عرصه حجاب و عباراتی نظیر «و قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ» است؛ بنابراین خروج کنیز از این احکام کلی و فراگیر قرآنی، محتاج دلیل است (زحیلی، ۱۴۱۱ ق، ص ۱۰۸). باید توجه داشت که ضعف سند روایت، مانع امکان استفاده از آن در تخصیص عموم قرآنی می‌شود.

سه. یکسانی قبح زنا با زن آزاد و کنیز: گویا منافقان کنیز بودن را عذری مقبول برای ارتکاب زنا ذکر می‌کرده‌اند. در حالی در قرآن آمده است: «به زن زناکار و مرد زناکار صد تازیانه بزنید و اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید، نباید شما را در [اجرای] دین خدا درباره آن دو نفر دلسوزی و مهربانی بگیرد و باید گروهی از مؤمنان، شاهد مجازات آن دو نفر باشند» (نور/۲)؛ بر این اساس، میان قبح زنا با محصنه کنیز و زنا با آزاد، تفاوت وجود ندارد. بسیاری از عالمان اهل سنت مانند ابن حزم بر چنین تبعیضی سخت تاخته‌اند و فرق قائل شدن

میان قبیح زنا با کنیز و غیرکنیز را به شدت مورد انتقاد قرار داده، آن را با اسلام و سنت و بیان پیامبر خدا ناسازگار به شمار آورده‌اند. (شافعی و غزی شافعی، ۱۳۶۸ش، ص ۲۱۹).

۲.۳.۲. بررسی روایات سبب نزول

در خصوص روایات سبب نزول گفتنی است، در متن آنها اضطراب وجود دارد. در مورد آیه ۵۹ سوره احزاب چندین سبب نزول وجود دارد:

الف. روایت دال بر تفاوت حجاب زن اسیر و آزاد که همان روایت مورد بحث در این مقاله است و پیش‌تر بیان شد. این روایت با نقل‌های گوناگون حکایت از آزار زنان آزاده به دست جوانان مزاحم و امر به پوشیدن جلباب جهت تمایز از کنیزان و دور کردن مزاحمت از آنان را شأن نزول آیه شمرده است.

ب. روایت امر به عفاف برای تمامی زنان که روایت مشهور در تفاسیر شیعه است: «زنان از خانه به قصد مسجد خارج می‌شدند و پشت سر پیامبر نماز می‌خواندند. هنگامی که شب‌هنگام برای ادای نماز مغرب و عشاء خارج می‌شدند، جوانان بر سر راه آنان می‌نشستند، آنان را اذیت می‌کردند و به ایشان متعرض می‌شدند؛ به همین سبب خداوند این آیه را نازل کرد» (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۹۶). اغلب مفسران شیعی با تمسک به این روایت سبب نزول، عبارت «ذَلِكَ أَذْنِي أَنْ يُعْرِفَنَ فَلَا يُؤْذِينَ» را حمل بر شناخته شدن به ستر و صلاح و عفاف کرده‌اند، نه شناخته شدن کنیز از آزاد؛ زیرا وقتی افراد به این عنوان شناخته شدند، دیگر اذیت نمی‌شوند؛ یعنی اهل فسق و فجور متعرض آنان نمی‌گردند؛ چه آزاد باشند و چه کنیز (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۳۴۰). بنابراین آیه حکمی کلی برای تمام زنان است؛ زیرا پوشش آنان بر ایدائی که نسبت به آنان می‌شود، مؤثر است و با حجاب بیش‌تر و شناخته شدن به عفاف، مورد آزار واقع نمی‌شوند (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۷، ص ۳۹۸).

ج. نهی از حضور زنان بدون جلباب در جامعه توسط خلیفه دوم. روایت شده است که: «عمر درحالی که در خیابان‌های مدینه راه می‌رفت، از کنار زنی عبور کرد که با نقاب بر چهره

در بین مردها در بازار در حال خرید بود، پس با شلاق او را زد. زن نیز او را رها کرد و به حضور پیامبر خدا رسید. گفت: ای رسول خدا، عمرین خطاب بدون آن که من مرتکب گناهی شده باشم، مرا شلاق زد. پیامبر عمر را فراخواند و به او گفت: چرا دختر عمه‌ات را تازیانه زدی؟ عمر جواب داد: از دیدن او عصبانی شدم، وقتی که او را بدون جلباب دیدم. گمان کردم که کنیز است. پس از آن، مردم گفتند: هم اینک درباره آن زن بر رسول خدا آیه نازل می‌شود. عمر گفت: زنان ما جلباب نداشتند، پس خداوند آیه فوق را نازل کرد» (ابن عربی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۱۵۸۶).

د. نهی عمر از حضور سوده در جامعه در حالی که حجاب داشت و نزول آیه در دفاع از حضور اجتماعی زنان محجبه: عایشه نقل می‌کند: «سوده همسر پیامبر(ص) که اندامی درشت داشت. هرگاه بیرون از خانه تردد می‌کرد، شناخته می‌شد، روزی عمر با او برخورد کرد و وی را ملامت نمود. وی به پیامبر(ص) شکایت برد و این آیه برای دفاع از خروج زنان با حفظ پوشش مناسب نازل گشت» (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۲۲۱).

دو نکته در مورد این روایات قابل توجه است:

الف. روایات اول، سوم و چهارم، روایات مشهور و مقبول در اهل تسنن است؛ اما روایت دوم اگرچه راوی آن قید نشده است، با توجه به منابع ناقل آن که شیعی است، منسوب به تشیع است؛ بنابراین صرف نظر از تحلیل سندی، بنابراین مخالفت با عامه، روایت دوم قابل قبول تر است.

دو. با توجه به معنای مستفاد از این روایات که شامل تمایز حجاب آزاد و کنیز، عمومیت حجاب برای همه و هم‌چنین دفاع از حضور زنان در جامعه با رعایت حجاب است، می‌توان رأی به ناستواری و عدم ثبات در متن روایات داد که خود نشانه‌ای از ضعف است. این تشتت نقل در اسباب نزول می‌تواند نظر علامه طباطبایی دال بر تطبیقی و اجتهادی بودن آنها و نفی ضبط و مشاهده راوی را تقویت کند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۷۴)؛ بنابراین باید تکیه را بر تحلیل‌های قرآنی و عقلی قرار داد.

۲.۳.۳. تحلیل عقلی

پیامدهای پذیرش حکم مورد بحث به قراری است که در پی می آید:

الف. گسترش مفاسد اجتماعی: با توجه به اعتبار سیره خلیفه در صدور فتوا نزد اهل سنت و هم‌چنین تواتر روایت مورد بحث، باید گفت که این حکم در نزد غالب علمای اهل سنت پذیرفته شده است. سرخسی پس از بیان این که کنیزان عمر بدون پوشش سر و سینه از مهمانان خلیفه پذیرایی می‌کردند، از قول محمد بن مقاتل رازی می‌گوید: «مرد نباید به آنچه میان ناف تا زانوی کنیز است، نگاه کند؛ اما نگاه کردن به مابقی اندام کنیز اشکالی ندارد» (سرخسی، ۱۳۲۴، ج ۱۰، ص ۱۵۱). هم‌چنین در دیگر منابع آنان آمده است: «مرد جایز است به زنانی که میلی به آنها نمی‌شود، نگاه کند؛ مانند: پیرزنان، زنان بی حجاب یا زنان زشت و هم‌چنین به کنیزی که حتی برای فروش عرضه نشده است. (به بدن‌های این زنان) جز آنچه برای نماز خواندن عورت محسوب می‌شود، می‌توان نظر کرد» (بهوتی حنبلی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۰۵۷). اصحاب شافعی می‌گویند: «نگاه کردن به هر جای زنان کنیز - به استثنای عورت آنان - جایز است! عورت (کنیز) از بالای ناف تا زیر زانوی اوست». بسیاری تصریح کرده‌اند که: «صحیح‌ترین رأی آن است که نگاه کردن به تمامی بدن کنیز به جز آنچه که ما بین ناف و زانوست - حلال است» (نووی شافعی، ۱۴۲۲، ص ۵۴۰). گذشته از نگاه، شمس‌الدین سرخسی حنفی می‌گوید: «هر قسمت از بدن کنیز که نگاه کردن به آن جایز باشد، لمس آن هم جایز است. البته به شرط این که موجب شهوت مرد و یا کنیز نگردد» (سرخسی، ۱۳۲۴، ج ۱۰، ص ۱۵۱).

با توجه به اجتماعی بودن حکم حجاب و عدم امکان تخصیص کنیزان که ویژگی زن بودن، جوانی و زیبایی را داشته‌اند، طبیعی است که این حکم خلیفه دوم و سپس فقهای پس از او بر وضعیت جامعه اثر گذار بوده، آن را به آستانه انحراف و احیاناً فساد رهنمون کرده است. قرطبی مالکی ضمن توجیه ضمنی حکم خلیفه، از لزوم تغییر آن در جامعه خود سخن می‌گوید: «از آن جایی که در زمان او فساد و فحشا در میان اکثر مردم عمومیت پیدا کرده

است، دیگر هیچ امامی نه تنها نباید به سنت عمر عمل کند، بلکه باید به کنیزان اجازه ندهد، بدون حجاب در کوچه‌ها رفت و آمد نمایند» (قرطبی مالکی، ۱۴۰۴، کتاب النکاح الثانی، ج ۴، صص ۳۵۷-۳۵۸). حتی برخی از اندیشمندان اهل سنت نیز با پیش فرض اشتباه بودن چنین عملی، دلایلی را در توجیه آن عنوان کرده‌اند: «جلوگیری از حجاب کنیزان در زمان عمر، یک سیاست شرعی (حکم دولتی و نه حکم شرعی) بوده است» (سایس، بی‌تا، ص ۶۶۸). برخی نیز این سیاست را سیاستی موقت خوانده‌اند که در زمان خلیفه دوم و احیاناً در زمانی محدود اجرا و سپس رد شده است (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ص ۳۲۹).

ب. تضعیف وجوب حجاب در عصر معاصر: در قرن اخیر در جهان اسلام و در دهه‌های اخیر در ایران، وجوب حجاب زنان در حد وجه و کفین از زبان برخی از روشنفکران مورد مناقشه قرار گرفته و بر عدم وجوب آن استدلال شده است. هم‌چنین، برخی از کسانی که حجاب را واجب نمی‌دانند، برای توجیه فهم و تفسیر خود به این آیه و شأن نزول آن استناد کرده‌اند تا علت تشریح وجوب حجاب را تمایز کنیز و آزاد از هم بدانند و با توجه به از بین رفتن برده‌داری، ضرورت حجاب را نیز منکر شوند. برخی از همین گروه معتقدند، پوشاندن گردن و موی سر علی‌الاصول کنشی غیر اخلاقی نیست و کسانی که گردن و موی سر خود را نمی‌پوشانند مرتکب خطای اخلاقی نمی‌شوند. هم‌چنین امر و فرمان خداوند مبنی بر ضرورت پوشاندن گردن و موی سر در متن مقدس دلالت قطعی ندارد (سروش دباغ، حجاب در ترازوی اخلاق، بی‌تا، صص ۱-۱۵).

برخی دیگر، از گزارش‌های تاریخی، روایات پیامبر و ائمه، گزارش‌های صحابه، روایات شأن نزول، متون کهن، دلالت آیات قرآن و دلالت معنایی واژه‌ها برای اثبات حداقلی بودن حجاب در عصر پیامبر استفاده کردند و سپس به برشماری و نقد علل رواج حجاب فعلی با حد وجه و کفین پرداختند (ترکاشوند، ۱۳۸۹، صص ۸-۱۴). برخی از آنان به صراحت گفته‌اند: «نه زن بودن و نه مسلمان بودن دلیل وجوب پوشش سر و گردن نیست؛ چون (زنان برده مسلمان) هم «زن»، هم «مسلمان» بودند و پوشش سر و گردن و حتی برخی اجزای

دیگر بدن، بنا به اظهارات صریح برخی فقها بر آنان واجب نبود. حتی برخی معتقد به کراهت یا حرمت پوشش سر برای زنان برده مسلمان بوده‌اند» (قابل، ۱۳۹۲، ص ۵۹).

به نظر این جماعت، چه تفاوتی در تحریک‌کنندگی بین زنان مسلمان برده و غیر برده وجود دارد که پوشاندن سر و گردن بر آنان لازم نیست و بر زنان آزاد لازم است؟ (سروش دباغ، حجاب در ترازوی اخلاق، بی تا، ص ۸). بنابراین از استثنا شدن کنیز در حجاب برای بیان این موضوع استفاده شده است که حجاب امری اجتماعی نیست. یکی دیگر از فعالان حقوق زن ایران با تمسک به استثنائات حجاب از جمله کهنسالان و کنیزان، فردی بودن آن را استنباط می‌کند و می‌نویسد: «آیا می‌توان با وجود این همه استثناء در مورد همگانی بودن حجاب آن را امری اجتماعی به شمار آورد؟» (صدر، ۱۳۸۲ش، ص ۱۴). در این رویکرد، علت اصلی تشریح حکم حجاب نیز، لزوم تمایز میان کنیزان و زنان آزاد دانسته شده است. هم‌چنان که می‌توان به برخی دین‌پژوهان نواندیش جهان عرب مانند عابدالجابری و نصرحامد ابوزید اشاره کرد. از نظر آنان نیز احکام، دایر مدار علت‌اند و با رفتن علت از بین می‌روند. علت حکم حجاب، ایجاد تمایز میان زن برده و آزاد بوده است. نظر به این که در زمان فعلی برده‌داری منسوخ شده است و ایجاد تفکیک بین زنان مذکور وجهی ندارد، حجاب نیز در عصر جدید واجب نیست (بهرامی، قرائت‌های نو از آیات حجاب، ص ۵).

ج. تعارض با حکمت‌های حجاب: نفی پوشش کنیز از دو حیث با اهداف، رسالت‌ها

و غایات اصیل حجاب و بالاخص پوشش زنان در اسلام در تعارض است.

یک: حجاب، دارای کارکردهای شخصی، خانوادگی و اجتماعی فراوانی هست. یکی از غایت‌های حجاب، محدود کردن زیبایی‌های زن و تمتع به درون خانه و در نتیجه حفظ جامعه از آسیب‌های اخلاقی است (مطهری، ۱۳۹۰ش، ج ۱۹، ص ۴۳۳)؛ چون حجاب امری اجتماعی با آثار اجتماعی است، میان بی‌حجابی زن آزاد و کنیز از حیث مفسده دار بودن هیچ تفاوتی وجود ندارد. وجود استثنا در زمینه حکم حجاب، بیش از هر چیز به اجتماعی بودن آن

ضربه وارد می‌سازد و آن را به یک حکم فردی تبدیل می‌کند. تفسیر برخی از روشنفکران از همین نکته ناشی می‌شود (صدر، ۱۳۸۲ش، ص ۱۴).

دوم، از دیگر فلسفه‌های حجاب، ارزش بخشی به شخصیت زن است (مطهری، ۱۳۹۰ش، ج ۱۹، ص ۴۳۳). نهی کنیز از حجاب به معنای تثبیت شأن پایین‌تر اوست. حال آن که این امر با آیات دال بر برابری انسان‌ها (نساء/ ۱) و عبارت «والله أعلم بایمانکم بعضکم من بعض» در آیه ۲۵ نساء که در توصیف نسبت جایگاه کنیز با زنان آزاد است، منافات دارد. مفاد صریح آیه این است که میزان برتری، ایمان است و تنها خداوند به ایمان‌ها آگاه است (طباطبایی، ۱۳۹۰ش، ج ۴، ص ۲۷۸).

بنابراین با این تحلیل‌ها می‌توان گفت، چنین فهمی از آیه و مبنای روایی آن با نقد جدی مواجه است.

۳. دیدگاه شیعه در زمینه علت تشریح حجاب

دیدگاه مفسران، فقها و محدثان شیعی در باب پوشش کنیز متفاوت است. گرچه امروزه رأی غالب آنان عدم تمایز است، اما ایشان در طول تاریخ با استناد به قرآن و روایات، حکم به اباحه، حرمت، استحباب و وجوب پوشش کرده‌اند (نجفی، ۱۴۲۱، ج ۴، ص ۴۸۶).

۳.۱. مستندات

مستندات قرآنی، روایی و عقلی علمای شیعه در پذیرش یا رد پوشش کنیز در جامعه را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد.

الف. مستندات قرآنی: در شأن نزول آیه ۵۹ احزاب، روایت مشهوری در منابع شیعی وجود دارد که حاکی از تعرض شبانه مردان به زنان و امر به جلباب برای آنها به جهت شناخته شدن به ستر و عفاف است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۳۴۰). برخی دیگر از افکار هم‌گویی تحت تأثیر منابع تفسیری اهل سنت احکام دیگری را برگزیده‌اند (طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۳۳۲)؛ بنابراین در شیعه هر دو قول تشابه و تمایز حجاب کنیز و آزاد در آراء تفسیری وجود دارد، اگرچه رأی نخست قوی‌تر بیان شده است.

ب. اخبار و احادیث: روایات موجود در منابع شیعی نیز از حیث حکم پوشش کنیز به

چند دسته، قابل تقسیم است:

۱. روایات دال بر نهی از پوشش کنیز و امر به ضرب او در صورت انجام این کار؛ از جمله حدیث امام صادق علیه السلام که آورده اند: «از امام درباره کنیز سؤال کردم، آیا سرش را با مقنعه پوشانند؟ فرمود: (اگر چنین کرد) او را بزیند تا زن آزاد از کنیز تشخیص داده شود» (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۳۴۵).

۲. روایات دال بر اباحه پوشش و نسبت دادن ضرب به غیر خود؛ مانند این روایت: «از امام صادق سؤال کردم، آیا کنیز سرش را می پوشانند؟ گفت: اگر بخواهد آری و اگر نخواهد نه. از پدرم شنیدم که پیش از این، کنیزان کتک می خوردند و به آنها گفته می شد که خود را به آزادگان شبیه نکنید» (شهید اول، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۱۰؛ حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۴۱۲). مضمون همین روایت در کتاب محاسن برقی و وسایل الشیعه نیز نقل شده است (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۴۱۰).

۳. روایات دال بر وجوب پوشش: از امام جعفر صادق از امام علی علیه السلام روایت شده است: «وقتی کنیز حائض شد، حتما باید با خمار نماز بخواند» (حمیری، م ق ۳، ۱۴۱۳، النص، ص ۱۴۱). شیخ حرعاملی در شرح این روایت گوید: «مراد از حیض، رسیدن به بلوغ است» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۴۰۸). هم چنین در ضمن روایتی طولانی امام علی (ع) به نقل از پیامبر (ص) می فرماید: نماز ۸ نفر مقبول نیست که یکی از آنها کنیز بالغی است که بدون خمار نماز بخواند (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۵۸).

در گفتار بعد این روایات مورد تحلیل واقع می شود.

ج. حکمت های عقلی: استاد مطهری با رویکرد عقلی خود، با پذیرش حکم بی حجابی

کنیز در جامعه، دلایلی برای آن اقامه کرده است؛ از جمله:

۱. اجبار حجاب مشقت بر کنیز است؛ به سبب اقتضای شغل و کارهایی که انجام

می دهد (مطهری، ۱۳۹۰، ج ۱۹، ص ۴۸۹).

۲. نبود جلوه‌گری در بی‌حجابی کنیزان به خاطر فقدان آرایش و اهتمام به بدن و در نتیجه نبود جاذبه‌های معمول زنان در کنیز خدمتکار (مطهری، ۱۳۸۲ش، ص ۱۶۱).

۲.۳. نقد و تحلیل

حال به تحلیل، نقد و بررسی سه مجموعه از منابع و روش‌های استدلال بر اساس مستندات قرآنی، روایی و عقلی می‌پردازیم. هدف از این تحلیل، تلاش روشمند و ضابطه‌دار در جهت حل تعارضات آن‌هاست.

۱.۲.۳. تحلیل قرآنی: اقتباس مفسران شیعه از رأی مشهور در اهل تسنن

بنابر رأی اکثریت مفسران شیعه، سبب نزول آیه ۵۹ احزاب عام است و به زنان آزاد اختصاصی ندارد و به قصد تمایز پوشش ایشان از کنیزان نیست (طباطبایی - م ق ۱۵-، ۱۳۹۰ق، ج ۱۶، ص ۳۴۰). در میان مفسران شیعی، دیدگاه تمایز پوشش زنان آزاد از کنیزان، اولین بار طبرسی در تفسیر جوامع الجامع در قرن ۶ بیان کرد (طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۳۳۲). او در مجمع البیان که پیش از تفسیر فوق نوشته شده، همین دیدگاه را به عنوان قولی ثانوی از دیگر ناقلان بیان نموده است.

به نظر می‌رسد، طبری در جوامع الجامع از زمخشری (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۵۶۰) تأثیر پذیرفته و این سبب نزول، پ درحالی که پیش از او، مفسران روایی شیعی قولی دیگر در تبیین آیه داشته‌اند. قمی در قرن سوم، سبب نزول آیه را عام دانسته است (قمی، ۱۳۶۳ش، ج ۲، ص ۱۹۶). همچنین شیخ طوسی در تفسیرش، در قرن ۵، سبب نزول آیه را خصوص تمایز زن آزاد و کنیز را یاد نکرده است؛ اما در توصیف پوشش زنان، قول ابن عباس و مجاهد را مبنی بر مکشوف الرأس بودن کنیزان نقل کرده است؛ بدون این که درباره آن قضاوتی کند (طوسی، بی‌تا، ج ۸، ص ۳۶۱).

گفتنی است، برخی مفسران اهل تسنن نیز سبب نزول مشهور شیعی را در کتب خویش آورده و حتی این قول را نسبت به قول دیگر، صحیح‌تر دانسته‌اند. چنان که قرطبی پس از ذکر هر دو قول، احتمال می‌دهد، نهی کنیز از پوشش و ضرب او به سبب این آن، از مصادیق

مخالفت با دستورهای پیامبر بوده و پس از ایشان رسم شده باشد. هم چنان که در قضیه نهی زنان از ورود به مسجد این چنین شد (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۴، ص ۲۴۴).

۲.۲.۳. تحلیل روایی

اینک ابتدا روایات دال بر نهی، اباحه و وجوب پوشش کنیز و سپس «امر به ضرب کنیز» که در روایات نهی از آن سخن به میان آمده بوده، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

۱.۲.۲.۳. تحلیل روایات مربوط به پوشش کنیز

تحلیل سندی و دلالتی روایات مربوط به پوشش کنیز از قراری است که در پی می‌آید:

الف. تحلیل سندی: روایات نهی اگرچه مسند است، اما حماد اللحام در سلسله سند آن، مجهول است و توصیفی از او در دست نیست. هم چنین نجاشی، در کتاب رجالش، پدر صاحب محاسن، محمد بن خالد برقی را در حدیث ضعیف می‌داند. در روایت اباحه اگرچه تمام راویان آن امامی و ثقه هستند، اما سند آن، مرفوع است. در روایت دال بر وجوب نیز ابی‌البختری (وهب بن وهب القرشی) تضعیف شده است؛ بنابراین، همه روایات از حیث سند ضعیف‌اند و برای تحلیل آنها باید به تحلیل محتوا تکیه کرد. در تحلیل محتوا نیز روایات دال بر نهی و حتی اباحه، با مفاد کلی قرآن ناسازگار است.

ب مقید بودن روایات: هم چنان که در متن روایات نهی و وجوب دیده می‌شود، عالمان شیعی از جمله شیخ صدوق، شهید اول، شیخ حر عاملی و دیگران، آن را تحت عناوین مرتبط با نماز آورده‌اند (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، صص ۴۱۲-۴۰۹). رأی مشهور فقهای قدیم شیعه این است که اگر کنیز با سر برهنه نماز بخواند، نمازش صحیح است و پوشش سر برای کنیز در نماز واجب نیست (صدوق، ۱۳۸۵ ش، ج ۲، ص ۳۴۶؛ یزدی، ۱۴۰۹ق، ص ۵۵۱).

این نظر گذشته از این که رأی قدمای شیعه است، دال بر اجبار بر بی‌حجابی نیست؛ بلکه مفاد آن مفید اختیار در حجاب سر است. برای نمونه محمد بن مسلم از امام باقر (ع) می‌گوید:

پرسد: آیا کنیز در نماز سرش را بپوشاند؟ فرمود: بر کنیز مقنعه و روسری لازم نیست (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۳ ج، ص ۳۹۴).

در آراء فقهی برخی نیز آمده است که حدّ لازم حجاب برای برده زن هنگام نماز بسیار کمتر از زن آزاد است و به نظر برخی مذاهب اسلامی در حدّ پوشش لازم برای مرد است (جزیری، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۸۵؛ نجفی، ۱۴۲۱ ق، ج ۴، ص ۳۷۳)؛ بنابراین حتی در روایت دوم که به قید «فی الصلاه» تصریح نشده، مقصود در حالت نماز است.

ج. توجه به تاریخ و فضای صدور روایت: به نظر می رسد، حکم صریح خلیفه، تبدیل شدن آن به فتوا و غالب و اجماعی این نظر در میان عالمان اهل سنت، بر صدور روایات معصومین (ع) تأثیر گذاشته است.

فقه اهل سنت، بر تمایز پوشش کنیزان و زنان آزاد و همچنین برابری پوشش زن کنیز و مردان در نماز است. در نظر اهل سنت، «کنیز مانند مرد است» یا «عورت کنیز مانند عورت مرد است» (قرطبی، ۱۴۰۵ ق، ج ۱، ص ۳۶۱؛ زحیلی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۲۱۶).

ابوحنیفه، شافعی و بنا به قولی مالک بن انس بر همین نظریه بودند (شوکانی، ۱۳۴۵، ج ۲، ص ۵۵). البته بنا به نقل دیگری، مالک، ستر عورت در نماز را مستحب می دانسته و نه واجب (ماوردی بصری شافعی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۲۱۶). مبنای احکام فقهای عامه این روایت است که عمر هرگاه زن کنیزی را می دید که با مقنعه سر خود را پوشانده است، با تازیانه مقنعه او را برمی داشت و می گفت: ای زن متعفن روسریت را بردار، خودت را مانند زنان غیرکنیز می کنی؟! (سرخسی حنفی، ۱۳۲۴ ق، ج ۱، ص ۲۱۲؛ ماوردی بصری شافعی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۲۱۶).

د. عرضه بر سیره: مفاد کلی سیره معصومین (ع)، تأکید بر حجاب کنیز است. امام موسی بن جعفر (ع) به حسن خلق با کنیزانشان توصیه فرمود و فرزند خود را مخیر کرد که کنیزان امّ ولد را به شرط حجاب از بهره مندی های زندگی سابق متنعم کند (کلینی، ۱۳۶۹ ش، ج ۲، صص ۹۸-۹۶).

عرضه این روایات بر سیره معصومین (ع) دو احتمال را می پرورد:

احتمال اول، این است که روایات متضمن اختصاص حجاب به زنان آزاد از روی تقیه صادر شده باشد. امام علی (ع) که عالم‌ترین فرد به قرآن و سیره رسول الله (ص) است و در شرایط حکومتش امکان مواجهه صریح و غیرتقیه‌ای داشته، فرموده است، هنگامی که کنیز به بلوغ رسید، باید با خمار نماز بخواند؛ اما در زمان امام صادق (ع) که شرایط سخت‌گیری و تقیه بوده است و حتی کنیزان به سبب حجاب و پوشش سر خود، شلاق می‌خوردند، حجاب در نماز را به خود آنان سپرد و فرمود: اگر دوست داشتند، از خمار استفاده کنند. در انتهای روایت نیز ضرب کنیز را که طبیعتاً حاصل اجبار او به بی‌حجابی و عمل نکردن او بوده است، به دیگران نسبت داده و فرموده است: «شنیدم که پدرم می‌گفت: کنیزان زده می‌شدند و به آنان گفته می‌شد، خود را به آزاده‌ها شبیه نکنید» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۴۱۲). مجلسی نیز در تأیید این برداشت در بحارالانوار روایات مورد بحث را با فرض صحت، بر تقیه حمل کرده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ص ۱۸۲).

احتمال دوم، این است که نهی از نقاب (روبند) در نماز باشد. در روایات سه‌گانه، از نهی یا جواز نقاب و وجوب خمار در نماز برای کنیز سخن رفته است. مقنعه به معنای چیزی است که با آن سر و صورت پوشانده می‌شود (زییدی حنفی، ۱۳۰۶ق، ج ۱۱، ص ۴۰۸) و صرفاً به معنای روسری نیست؛ بلکه به معنای نقاب (روبند) نیز است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۲۵۳).

بنابراین حتی اگر این روایات، حمل بر تقیه نشود، دو دسته روایت امر به استفاده از خمار در نماز و نهی از مقنعه (به معنای نقاب)، قابل جمع است؛ این گونه که امام از مقنعه (نقاب) نهی کرده است؛ نه روسری. بالاخص این که روایات نهی از روبند درباره زنان مسلمان آزاد نیز نقل شده است؛ نظیر این که: «اشکال ندارد، زن مسلمان (و در روایتی زن آزاد) نماز بخواند و مقنعه نداشته باشد» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۴۱۰). در این روایات، قناع به معنای روبند است؛ زیرا بی‌شک بر زن مسلمان آزاد واجب است، در نماز سر خود را بپوشاند.

۳.۲.۲. تحلیل روایات دال بر ضرب کنیز

دومین مضمون قابل نقد در روایات سه‌گانه مورد بحث، کتک زدن کنیز به سبب پوشش است. در این باره نکاتی قابل ذکر است:

الف. همخوانی با عامه: روایات ضرب در برخی منابع شیعی با آنچه در منابع عامه آمده است، همخوانی ندارد که در آنها از اقدام خلیفه دوم در ضرب و شتم کنیزان به سبب حجابشان سخن گفته شده است (طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۵، ص ۲۱۶؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۶۶۰).

ب. تعارض ضرب و اباحه پوشش: کتک زدن کنیزان به سبب حجابشان اگر درست باشد، بی‌تردید دال بر حرمت قطعی حجاب است که با روایات اباحه و اختیار در ستر و پوشش قابل جمع نیست (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ص ۴۱۲-۴۱۰).

ج. عرضه بر روایت: روایت اباحه از امام صادق (ع) با این روایت از امام باقر (ع) در تعارض است که فرمود: «دیگران»، کنیزان را به سبب پوششان می‌زدند تا به آزاده‌ها شبیه نشوند (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۴۱۲). در این روایت، امام صریحاً این فعل را به دیگران نسبت می‌دهد. با توضیحات پیشین مشخص است، کسانی که امام کتک زدن را به آنان نسبت می‌دهد، عمر و افراد تابع اویند. این‌ها نشان می‌دهد، حتی با فرض مجعول نبودن روایت مورد بحث، آن از روی تقیه صادر شده است؛ چنان‌که برخی علما نیز به آن تصریح کرده‌اند (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۷، ص ۱۹).

د. عرضه بر سنت: سیره معصومان (ع) شاهد روشنی بر حقوق انسانی بردگان و نهی شدید از آزار و تعرض به آنان است. از جمله ابن مسعودانصاری می‌گوید: مشغول تنبیه غلامم بودم که صدای پیغمبر (ص) را از پشت سر شنیدم. وقتی پیغمبر (ص) را دیدم، تازیانه را از دست انداختم. ایشان فرمود: قدرت خداوند بر تو بیش از قدرتی است که تو بر این غلام داری. ابن مسعود غلام را آزاد می‌کند و پیامبر (ص) به او می‌فرماید: اگر آزادش نمی‌کردی، آتش جهنم را برای خود می‌خریدی (ناصف، ۱۳۱۱ش، ص ۱۲).

صدمه نرساندن به مملوکان به حدی اهمیت دارد که در فقه اسلامی شیعه که برگرفته از روایات معصومین (ع) است، جزای کتک زدن شدید کنیز، بنا بر حکم تکمیل، آزادی اوست (باجی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۷-۲۷۱). طبیعتاً ائمه که الگوی عملی دین به شمار می‌رفته‌اند، متعهدترین و ملتزم‌ترین مسلمانان در عمل به دستورهای اسلامی هم بوده‌اند. معلوم است که خود آنان مرتکب رفتارهای منکری که دیگران را از آنها نهی می‌کرده‌اند، نمی‌شدند؛ بنابراین کتک خوردن یک کنیز از دست معصوم، آن هم در مورد امری مباح، قطعاً مردود است. حتی برخی فقهای شیعه حجاب کنیز را در نماز و جز آن مستحب دانسته‌اند (نجفی، ۱۴۲۱ق، ج ۴، ص ۴۸۷). طبیعتاً به سبب امری مباح یا مستحب، کسی مورد ضرب و شتم ائمه (ع) قرار نمی‌گرفته است؛ لذا چنین روایاتی مردود است.

۳.۳.۳. تحلیل عقلی

اینک ضمن تحلیل عقلی به نقد ملاحظاتی که شهید مطهری در زمینه موضوع مورد بحث دارند، پرداخته می‌شود:

الف. نقد عدم تحمیل مشقت: نکاتی که در پی می‌آید، در نقد نظر شهید قابل طرح است:

۱. لغوپوشش به دلیل مشقت و سخت بودن آن، جواز الغای بخش مهمی از احکام را صادر می‌کند.

۲. با چنین استدلالی باید به اباحت حجاب برای زنان در جامعه امروز حکم کرد؛ چون زنان، هم نقش‌های درون خانواده را برعهده دارند و هم در بیرون رفت‌وآمد زیادی دارند و این باعث عسرت آنان می‌گردد؛ حال آنکه بی‌حجابی آثار اجتماعی قابل توجهی دارد.

۳. همه کنیزان برای کارهای سخت بیرون انتخاب نمی‌شدند. برخی از کنیزان، برای غنا و مسائل جنسی و دربارها مورد استفاده قرار می‌گرفتند (جوادی علی، ۱۹۵۶م، ص ۵۶۱؛ نجفی، ۱۴۰۴ه، ص ۴۹).

ب. نقد نبود جلوه‌گری: در این زمینه که کنیزان جلوه‌گری نداشتند، نقدهای ذیل قابل طرح است:

۱. کنیز بودن مستلزم عدم آراسته بودن و عدم استفاده از زینت نخواهد بود. چه بسیار کنیزانی که سوگلی‌های دربار شناخته می‌شدند و از آراستگی بسیاری هم برخوردار بوده‌اند.
 ۲. بسیاری از این کنیزان، مسلمانانی پاک‌دامن بودند و به نظافت و آراستگی خود طبق تعالیم دین بسیار اهمیت می‌دادند. هم‌چنان‌که مادر برخی از خلفا و پادشاهان اسلامی و حتی امامان معصوم، کنیز بوده‌اند.
- نتیجه آن که رأی به اشتراک حکم حجاب بین زنان آزاد و کنیز ترجیح دارد؛ چون اکثر مفسران شیعی به عام بودن سبب نزول آیه قائل‌اند و آن اقلیت مفسران که به خاص بودن سبب نزول آیه قائل‌اند، از منابع اهل تسنن اقتباس کرده‌اند که خدشه‌های آن ذکر شد.

۴. نتایج

حکم تمایز پوشش میان زنان آزاد و کنیزان به جهاتی که در پی می‌آید، دارای اشکال است: شخصیت انسانی کنیز، نهی اسلام از آزار جنسی به او، حق عفاف برای او، فلسفه‌های شخصیتی و اجتماعی حجاب و استثنای پذیر نبودن آن، اطلاق و عمومیت خطاب در آیات حجاب، قبیح بودن مطلق فعل منافقین بدون توجه به آزاد یا کنیز بودن فرد آسیب دیده، شأن صدور عام آیه در میان روایات شیعی، هم‌چنین توجه به سیره قطعی پیامبر (ص) و ائمه (ع) در تعامل با کنیزان خود و توصیه پیرامون آنان.

شواهدی که در پی می‌آید، این احتمال را تقویت می‌کند که روایات ناظر به تمایز پوشش زنان آزاد و کنیز در صورت صحت صدور، از روی تقیه صادر شده باشند: ضعیف‌السنند بودن روایات حاکی از اباحت پوشش سر کنیز در مجامع شیعی، مقید بودن این روایات به عبارت «فی الصلاة»، خفقان در عصر ائمه (ع)، شدت عمل عمر نسبت به کنیزان، تعارض روایات با روایت امام علی (ع) دال بر لزوم خمار برای کنیز بالغ. البته می‌توان میا روایات لزوم خمار و اباحت قناع برای زنان اعم از آزاد و کنیز جمع کرد.

روایت حاکی از کتک خوردن کتیز محجوب از امام(ع) هم مردود است؛ به دلیل همخوانی با عامه، تعارض با سنت قطعی معصوم و تعارض عقلانی اباحه حجاب با کتک زدن به دلیل حجاب.

۵. منابع کتبی

۱. قرآن کریم (۳۸۳ش). ترجمه انصاریان. حسین، ایران - قم: اسوه
۲. ابن عاشور، محمدطاهر (۱۴۲۰ق). تفسیر التحریر و التویر المعروف بتفسیر ابن عاشور. بیروت: مؤسسة التاریخ العربی
۳. ابن عربی، محمد بن عبدالله (۱۴۰۸ق). احکام القرآن. بیروت: دارالجلیل
۴. احمدی طیبی، مهدی (۱۳۸۸ش). «حجاب در عصر جاهلیت و سیر تشریح آن در اسلام». ره آورداندیشه، سال اول، شماره اول، پاییز
۵. آلبانی، محمد ناصرالدین (۱۴۰۵ق). ارواء الغلیل فی تخریج احادیث منار السبیل. بیروت: دار الکتب الاسلامی
۶. باجی، سلیمان بن خلف (۱۹۸۴/۱۴۰۴). المنتقى شرح موطأ الامام مالک. بیروت: بی نا
۷. بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۵ق). البرهان فی تفسیر القرآن. قم: موسسه البعثة، قسم الدراسات الإسلامیة
۸. بحرانی، یوسف (۱۴۰۵ق). الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة. قم: جماعة المدرسین
۹. بهرامی، محمد پاییز و زمستان ۱۳۸۶). «قرائت‌های نو از آیات حجاب». پژوهش‌های قرآنی، شماره ۵۱ و ۵۲.
۱۰. بهوتی حنبلی، منصور بن یونس بن صلاح الدین (۱۴۱۸). کشف القناع عن متن الاقناع. با مقدمه دکتر کمال عبدالعظیم عنانی، تحقیق ابو عبدالله محمد حسن اسماعیل شافعی. بیروت: دارالکتب العلمیة
۱۱. ترکشوند، امیرحسین (۱۳۸۹). حجاب شرعی در عصر پیامبر. تهران: بی نا
۱۲. جزیری، عبدالرحمان (۱۹۹۰/۱۴۱۰). الفقه علی المذاهب الاربعه. بیروت: بی نا
۱۳. جصاص، احمد بن علی (۱۴۰۵ق). احکام القرآن (جصاص). بیروت: دار احیاء التراث العربی
۱۴. جواد علی (۱۹۷۶م). المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام. بیروت: دارالعلم للملایین. بغداد: مکتبه النهضة
۱۵. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة. قم: بی نا
۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴ش). ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن. تهران: مرتضوی
۱۷. _____ (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ قرآن. بیروت: دارالقلم
۱۸. زبیدی، محمد (۱۳۰۶). تاج العروس فی شرح القاموس. مصر: المطبعة الخیریة

۱۹. زحیلی، وهبة (۱۴۱۸). الفقه الحنبلی المیسر. دمشق: دارالقلم
۲۰. _____ (۱۴۱۱). التفسیر المنیر فی العقیة و الشریعة و المنهج. دمشق: دارالفکر
۲۱. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوالتأویل. مصحح: حسین احمد، مصطفی. بیروت: دارالکتب العربی
۲۲. سرخسی حنفی، شمس الدین ابوبکر محمد بن ابی سهل (۱۳۲۴). المبسوط. قاهرة: مطبعة السعادة
۲۳. سیوطی، جلال الدین، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴). الدر المنثور فی التفسیر المأثور. قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)
۲۴. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۱۴). جامع الاحادیث. جمع و ترتیب عباس احمد صقر - احمد عبدالجواد. بیروت: دارالفکر
۲۵. شوکانی، محمد بن علی بن محمد (۱۳۴۵). نیل الاوطار من احادیث سید الاختیار شرح منتقى الاخبار. قاهرة: ادارة الطباعة المنیریة
۲۶. شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۹ق). ذکر الشیعة فی احکام الشریعة. قم: مؤسسة آل البيت
۲۷. صدر، شادی (۱۳۸۲). «آیا حکومت مسئول بی حجابی است». ماهنامه زنان، شماره ۱۰۳، سال دوازدهم، صص ۱۴-۱۷
۲۸. صدوق، ابن بابویه قمی، محمد بن علی (۱۳۸۵ش/۱۹۶۶م). علل الشرائع. قم: کتابفروشی داوری
۲۹. صدوق، ابن بابویه قمی (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی
۳۰. طباطبائی، محمد حسین (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن. مترجم: محمد باقر موسوی. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات
۳۱. طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸م). تفسیر القرآن العظیم. اربد: دارالکتب الثقافی
۳۲. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲ق). تفسیر جوامع الجامع. قم: حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت
۳۳. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دارالمعرفة
۳۴. طوسی، محمد بن الحسن (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی
۳۵. _____ (۱۴۰۷ق). تهذیب الاحکام. مصحح: حسن موسوی. تهران: دارالکتب الاسلامیة
۳۶. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۰ق). الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة. قم: کتابفروشی داوری
۳۷. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۱۵ق). تفسیر الصافی. تهران: مکتبة الصدر
۳۸. قابل، احمد (۱۳۹۲). احکام بانوان در شریعت محمدی. بی جا: شریعت عقلانی
۳۹. قرانتی، محسن (۱۳۸۳ش). تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن

۴۰. قرطبی، محمد بن احمد، ابو عبد الله (۱۴۰۵). الجامع لاحکام القرآن. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی
۴۱. قرطبی مالکی، محمد بن احمد بن احمد بن رشد (۱۴۰۴). البیان و التحصیل و الشرح و التوجیه و التعلیل فی مسائل المسترحة؛ تحقیق دکتر محمد حجتی - سعید اعراب، به عنایت شیخ عبد الله بن ابراهیم انصاری. بیروت: دارالغرب الاسلامی
۴۲. قلیوبی شافعی، شهاب الدین احمد بن احمد بن سلافه - و برلسی غزی شافعی، شیخ احمد (۱۳۶۸). حاشیتا قلیوبی و عمیره علی شرح العلامة جلال الدین المعلی علی منهاج الطالبین؛ مصر: مکتبه و مطبعة محمد علی صبیح و اولاده
۴۳. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳ ش). تفسیر القمی. قم: دار الکتاب
۴۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی (ط - الإسلامیة). تهران: دارالکتب الإسلامیة
۴۵. ماوردی بصری شافعی (ابن حبیب)، علی بن محمد، ابوالحسن (۱۴۱۴). الحاوی الکبیر. بیروت: دارالفکر
۴۶. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ ق). بحار الأنوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی
۴۷. مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ ق). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. بیروت - قاهره - لندن: دار الکتب العلمیة - مرکز نشر آثار علامه مصطفوی
۴۸. مطهری، مرتضی (۱۳۹۳ ش). بردگی در اسلام. تهران: صدرا
۴۹. _____ (۱۳۹۰ ش). مجموعه آثار استاد شهید مطهری. تهران: صدرا
۵۰. _____ (۱۳۸۲ ش). مسئله حجاب. تهران: صدرا
۵۱. معرفت، محمد هادی (۱۳۷۹ ش). تفسیر و مفسران. قم: موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید
۵۲. مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ ق). تفسیر مقاتل بن سلیمان؛ محقق: شحاته، عبد الله محمود. بیروت: دار احیاء التراث العربی
۵۳. ناصف، علی (۱۳۱۱ ش). التاج الجامع للاصول. استانبول: دار تمل للنشر و التوزیع
۵۴. نجفی، محمد حسن (۱۴۲۱ ق). جواهر الکلام فی ثوبه الجدید. قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت
۵۵. نووی شافعی، محیی الدین یحیی بن شرف، ابوزکریا (۱۴۲۲). منهاج الطالبین. دمشق: دار البیروتی
۵۶. یزدی طباطبائی، سید محمد کاظم (۱۴۰۹ ق). العروة الوثقی فیما تعم به البلوی. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات

۶. منابع الکترونیکی

۵۷. دباغ، سروش؛ «حجاب در ترازوی اخلاق»، قابل دسترسی در:
<http://3danet.ir/soroush-dabbagh-hejab-1/>
۵۸. قابل، احمد؛ مقالات در مورد پوشش حجاب، قابل دسترسی در:

مطالعه تطبیقی پوشش کنیز در فقه و تفسیر شیعه و سنی | ۲۳۱

<http://ghabel.blogspot.ca/>

و

<http://www.rahesabz.net/story/54225/>

۵۹. کدیور، محسن؛ مقالات، قابل دسترسی در:

<http://kadivar.com/?cat=1014>

۶۰. سایت جرس، قابل دسترسی در:

<http://www.rahesabz.net/>

Archive of SID